

آینده مملکت را برای خودش نشروخت

گفت‌وگو با دستیار رئیس جمهور در امر مردمی‌سازی در دولت سیزدهم

می‌داد و ۶۰۰،۶۰۰ خانواده به شکلی داغدار می‌شدند که کسی جرئت نمی‌کرد برای عزیزش مراسم بگیرد. مسئله‌ای که ما خیلی ساده از آن می‌گذریم. روایت هر یک از این کارها در حوزه مسکن، انرژی و... عجیب است. همین طور دوبیتی‌ها و اشعاری که شعرا در فضای مجازی گذاشته‌اند. ایشان چند روز پیش از حادثه با اهل ادب جلسه داشت و در نمایشگاه کتاب حضور پیدا کرد. علما و هموطنان عزیز ترکمن صحرا چه دعاهای خالصانه‌ای را در فضای مجازی گذاشته بودند.

مردم ماجراهای مختلف را یاد نمی‌برند. در سفر به استان گلستان یکی از بی‌نظیرترین استقبال‌ها را در مراوه‌تپه داشتیم. تمام مردم این منطقه اهل سنت هستند. بدون اغراق می‌گویم شاید خانه‌ای نبود که کسی از آنجا به استقبال نیامده باشد.

بسیاری از تصمیمات را می‌شد که ایشان نگیرد و برای دور دوم ریاست جمهوری بگذارد، چون رأی را تخریب می‌کند، ولی ایشان آینده مملکت را نفروخت. من بارها این را از لسان خود ایشان شنیدم. بعضی از دوستان می‌آمدند و می‌گفتند این به صلاح نیست و این تصمیم را برای سال آینده و بعد از انتخابات بگذارید. ایشان می‌گفت: من اصلاً رأی نمی‌خواهم. ما آمده‌ایم مسئله مردم را حل کنیم. قرار نیست خیانت کنیم و به آنها یک مسکن بزنیم. با تمام این سختی‌ها سعی کرد در دل مردم باشد.

• شما به عنوان دستیار مردمی‌سازی ایشان قطعاً

نمونه‌های بیشتری از تعامل با مردم در ذهن دارید.

بله. چند وقت پیش یکی از برنجکاران مازندران در سه چهار دقیقه درباره قیمت برنج صحبت کرد. ایشان با اینکه به شدت خسته بود، با دقت گوش داد و همان شب این مطلب را به رخ مدیران استان کشید. فهم یک نیروی مردمی و کسی که در میدان است، چقدر از مایی که در سیستم‌ها نشسته‌ایم و مسئولیت داریم بالاتر است. یک خانمی نکته‌ای را گفت و ایشان دقیق یادداشت کرد. خیلی‌ها توجه نمی‌کنند. ایشان در جلسات مختلف، مسائل همه را دقیق گوش می‌داد، آن هم بعد از ۱۵ سخنرانی. بالاخره توان و طاقت آدم حدی دارد. ما جوان هستیم و نفس مان می‌برد. خود من در سفرهای استانی گاهی سعی می‌کنم گوشه‌ای پیدا کنم و چرتی بزنم. از این سفر به آن سفر و باید حواسمان هم به همه چیز و همه جا می‌بود.

ما بدون برنامه قبلی برای افتتاح جایی به خرماکلا رفته بودیم و مردم فهمیده بودند. هوا بارانی بود و ایشان عصبانی شده که چرا به فکر مردم نیستید که زیر یک سقف جمع بشوند. سریع سوله‌ای پیدا کردیم که مردم بروند و در آن مستقر بشوند. مردم این عاطفه را می‌بینند. این اگر نمایشی و شواف بود به دل نمی‌نشست. خانم‌هایی که حجابشان هم استاندارد نیست، دارند گریه می‌کنند. اینکه دیگر با دستور و ابلاغ نیست.

• تصاویر و صحنه‌های میدانی بعد از شهادت

ایشان حقیقتاً جان‌سوز است. این ارتباط جریان

ریشه‌ای غیر از ارتباط مردم و ایشان تفسیر دیگری دارد؟

به نظر من خیر. ایشان در ارتباط با مردم یک الگوی منحصر به فرد بودند. بعضی جاها این الگو تعریف شده است و مردم می‌آیند و می‌نشینند. بعضی جاها تعریف نشده است. بعضی جاها در ارتباط چشمی با نفر به نفر مردم بود. در سفر مازندران ایشان در ماشین غیرمسقف نشسته بود و نم باران هم می‌آمد. دیدم ایشان دارد به اطرافیان اشاره می‌کند

سید احمد عبودتیان هرندی، متولد ۱۳۵۶ اصفهان و دارای مدرک کارشناسی مهندسی برق الکترونیک است. مسئول بسیج دانشجویی، مسئول کنگره شهدای دانشجوی، عضویت در شورای مرکزی اولین مجمع صنفی نشریات دانشجویی کشور، مسئول دفتر ارتباطات مردمی استاندار یزد در دولت نهم، مسئول ستاد پیگیری مصوبات سفر هیات دولت و رهبری به استان یزد، فرمانداری شهرستان تفت، معاون سازماندهی، عملیات فرهنگی و جانشینی بنیاد فرهنگی خاتم الاوصیاء (عج)، مدیرعامل بنیاد فرهنگی خاتم الاوصیاء (عج)، عضویت در هیات مدیره بنیاد خانواده و مشاور رئیس سازمان تبلیغات اسلامی از سوابق کاری وی است.

• برای شروع بگویند، واقعا آقای رئیس جمهور، در

شب میلاد امام رضاع، در آذربایجان شرقی و در نقطه صفر مرزی چه کار می‌کردند؟

ایشان تمام مدت مسئولیت برنامه سفر داشتند و در میان این برنامه فشرده، برای افتتاح سد در نقطه صفر مرزی می‌روند و با این کار هم فناوری پیشرفته ایران را به رخ همسایه‌ها می‌کشند. افتخارمان این است که این سدها ساخت مهندسان ایرانی است. سدهایی که افتتاح شدند باعث ایجاد نزدیک به ۴۰ هزار اشتغال بود. از آن طرف پیشرفت عمرانی و فناوری ایران را نشان می‌دهد و از آن طرف تحول در دیپلماسی منطقه‌ای را رقم می‌زند و با کشوری که اسرائیلی‌ها چقدر برایش دانه پاشیدند. ایشان شخصاً به آنجا رفت و حتی روابط سیاسی را اصلاح می‌کند و می‌گوید: «ارتباط ما با کشورهای همسایه فراتر از همسایگی، بلکه خویشاوندی است.» یعنی دست روی نقطه‌ای می‌گذارد که یک سیاستمدار فهمیم، آن را اسباب ارتباط و دیپلماسی می‌کند و این ریشه در تاریخ و تمدن و اعتقادات دو ملت دارد. یک حضور میدانی در شرایط سخت.

ایشان ترازوی از مدیریت اسلامی و جهادی را ارائه کرد. بالاخره ما یک الگوی پشت میزنشینی و حل مسائل با مانیتور داریم و مثلاً مسئله کرونا را با مانیتور حل می‌کنیم. می‌گفت من از پشت شیشه ماشین وقتی مردم را می‌بینم می‌فهمم احوالشان چگونه است.

• از جوه دیگر تمایز ایشان در این سبک مدیریتی بگویند.

یادتان هست در قضیه کرونا جلساتی که گرفته می‌شدند چه شکلی بودند. با آن فاصله‌ها و آقای رئیسی در بیمارستان‌ها، در موسسه واکسن‌سازی و بخش‌های مختلف حضور پیدا می‌کرد و دائماً اصرار داشت که فضای اقتصادی کشور از کار نیفتد. حل کردن مسئله واردات امن و تولید واکسن. کشوری که روزی ۶۰۰،۶۰۰ نفر کشته

• شما در برخورد با مردم، احساسات و عواطف آنان

را نسبت به حادثه سقوط بالگرد شهید آیت‌الله رئیسی چگونه دیدید؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. مردم می‌دانند و می‌بینند که چه کسی نسبت به آنها دلسوز است. ایشان در قصه سفرهای استانی بسیار تخطئه شد، ولی اصرار داشت. سفر آخر تمام نشده، دستور سفر به سیستان و بلوچستان را صادر کرد. می‌گفتیم حاج آقا یک کمی استراحت بدهید تا بچه‌ها نفسی بگیرند. می‌گفت: ساعت نباید از دست‌تان برود. ایشان می‌گفت: ۵۰ روز از سال گذشته. شعار سال را به کجا رساندید؟ آخرین وضعیت را بگویند. بارها پیش می‌آمد که کسی از دور دستی تکان می‌داد و نامه‌ای چیزی در دست داشت و ایشان به ما اشاره می‌کرد که برویم و نامه را از او بگیریم. مردم این‌ها را می‌دیدند.

ایشان با تعطیلات میانه نداشت. یک بار گفتیم: حاج آقا! تعطیلات. ایشان گفت: من اصلاً این واژه را به رسمیت نمی‌شناسم. ایشان در نوشهر و در هوای شرجی بعد از سخنرانی بیرون آمدند. خودشان دو روز بود که در سفر بود. بعد هم سخنرانی کرده بود، باید جمع می‌کردیم و برمی‌گشتیم. از پلکان جایگاه که پایین آمد، دید که یک دختر معلول هنرمند یک تابلوی نقاشی آورده است. خودش را سریع از لابلای محافظین به او رساند که احترام دختری را که به احترام او با ویلچر آمده بود به جابیاورد.

مردم این‌ها را می‌فهمند و تماس مردم از دورترین نقاط ایران و جمع شدن آنها در حرم‌ها و مساجد سراسر کشور برای دعا نشان داد که برای یکی از خود مردم اتفاقی افتاده و دل‌نگران هستند. مردم تمام روستاهای اطراف ورزقان برای امداد رسانی و پیدا کردن بالگرد از خانه‌های شان بیرون زده بودند. این یعنی مردم خادم خودشان را درک می‌کنند و می‌دانند اگر آنها در سختی هستند، او هم دارد به خاطر آنها سختی می‌کشد و خواب ندارد.

من اصلاً رأی نمی‌خواهم



بسیاری از تصمیمات را می‌شد که ایشان نگیرد و برای دور دوم ریاست جمهوری بگذارد، چون رأی را تخریب می‌کند، ولی ایشان آینده مملکت را نفروخت. من بارها این را از لسان خود ایشان شنیدم. بعضی از دوستان می‌آمدند و می‌گفتند این به صلاح نیست و این تصمیم را برای سال آینده و بعد از انتخابات بگذارید. ایشان می‌گفت: من اصلاً رأی نمی‌خواهم. ما آمده‌ایم مسئله مردم را حل کنیم. قرار نیست خیانت کنیم و به آنها یک مسکن بزنیم. با تمام این سختی‌ها سعی کرد در دل مردم باشد



ویژه‌نامه چهلمین روز
عروج شهدای خدمت

